

و یک نامه روسی به گمرک بیاورد باید به مترجم بدهد بخواند و ترجمه کند که طول می کشد. آنجا این همه کارمند دارد، خب یک کارمند دیگر داشته باشند که متخصص در امور روسیه باشد. دوم این که از ظرفیت های دانشجویی که در روسیه داریم، جوانانی انتخاب شوند که انگیزه ملی داشته باشند بروند و در رشته های مختلف مورد نیاز کشور تحصیل کنند و از همین ها در آینده می توانند در این رایزنی ها استفاده کنند.

نکته دیگری مانده در این بحث که به آن اشاره و جمع بندی بفرمایید؟

دولت آقای رئیسی، نهاد ریاست جمهوری، وزارت صمت، وزارت اقتصاد و همه مجموعه دولت اگر می خواهند که استراتژی همکاری اقتصادی آنها با کشورهای همسایه تحقق پیدا کند به این نکاتی که عرض کردم باید توجه کنند؛ تسهیل در امور جذب سرمایه گذاری خارجی، اثبات شرکت، ورود و اقامت آنها، توجه به مناطق آزاد انزلی و چابهار، ایجاد شورای مناطق آزاد بین ایران و روسیه، جهت رفتن در مسیر جذب سرمایه گذاری های مستقیم و سرمایه گذاری در تولید در محصولات صنعتی، خصوصاً باید در روسیه در حوزه دارو تجهیزات پزشکی سرمایه گذاری کنیم. مورد بعدی این است که دولت نظارت بر عملکرد اتاق بازرگانی را جدی بگیرد و در عزمی که مجلس دارد، دولت نیز همسو باشد تا ظرفیت های موجود اتاق بازرگانی را ضمن سالم سازی در راستای حمایت از صادرات به این سمت و سو هدایت کنند. دولت باید به تشکلهای اتاق های مشترک حساسیت داشته باشد؛ این تشکلهای ابزاری است که باید به آن توجه و نظارت کنند و از آنها نتیجه بخواهند. پیوند یا قراردادهای خواهرخواندگی جدی گرفته شود و استان های معین برای ایجاد مراکز تجاری انتخاب کنیم. تقویت اتحادیه ها و تشکلهای اقتصادی، فراهم کردن شرایط دسترسی به بازار برای آنها و ارائه اطلاعات تجاری یا رفع موانع و مقررات دست و پاگیر از دیگر مواردی است که در نتیجه آن تسهیلگری ایجاد می شود. تقویت دیپلماسی های اقتصادی که قطعاً در کشورهای هدف نیز ما یکسری موانع داریم که در قالب دیپلماسی اقتصادی اول باید مطرح شود و بعد از طریق دستگاه دیپلماسی اقتصادی انتقال داده شود که انشالله بتوانیم همکاری اقتصادی را با کشورهای همسایه داشته باشیم.

حاکمیت اگر می خواهد پیوند اقتصادی با کشورهای دیگر داشته باشد باید اصلی را پایدار کند و افتخار این دولت این باشد که یک قرارگاه مرکزی یا فرماندهی صادرات در داخل ایران ایجاد کند. بهترین گزینه سازمان توسعه تجارت است چون مسئول آن معاون وزیر صمت و از مجموعه دولت است؛ ضمن اینکه آقای پیمان پاک در سازمان توسعه تجارت شرایط دانش زنجیره تأمین را بهتر از هرکسی درک و تحلیل می کند و می داند. لذا باید فرماندهی صادرات در داخل کشور داشته باشیم و بتوانیم در داخل کشور ظرفیت هایمان را بارور و سازماندهی کنیم. اکنون همکاری سازمانی در داخل کشور چه در بخش ظرفیت های تولیدی و اقتصادی کشور و چه در بخش سازمان های تسهیل گر در امور صادرات نداریم و واگرایی داریم. تا زمانی که این واگرایی در داخل کشور به همکاری تبدیل نشود، استراتژی همکاری اقتصادی دولت با کشورهای همسایه تحقق پیدا نمی کند. کار دیگری که باید انجام دهیم نیروسازی است؛ کاری را که از سال ۱۳۷۴ استاندارد فقید وقت آستاراخان آقای آتاتولی پتروویچ گوجوین انجام داد. پیوند دانشگاه آستاراخان با گیلان را از آنجا برای توسعه آموزش زبان فارسی و روسی شروع کرد که تا امروز باعث شده تعداد زیادی از دانشجویان به طرف یادگرفتن زبان فارسی رفتند و بلااستثنا همه آنها جذب شدند. اکنون شما به گمرک انزلی بروید، هرچند آموزش داشته ایم اما آیا یک مترجم زبان روسی داریم؟ شما به استان های گیلان و مازندران هم نگاه کنید، یک مترجم زبان روس که جذب شده باشد ندارند. این یعنی دولت تا به حال رویکرد درستی نداشته است.

در آن سو اولین کنسولگری ما بعد از مسکو در آستاراخان است، البته کنسولگری روسیه در رشت داریم که قدمت آن حدود ۲۴۷ سال است که یک دوره در بعد از انقلاب تعطیل بود و اکنون ۱۵ سال است که دوباره فعالیت می کند. الان ارتباط دانشگاهی بین گیلان و مازندران با استان های روسیه خوب است و یک شورای علمی دانشگاهی دریای خزر تشکیل شد و خیلی منظم و فعال هستند و ارتباطات بسیار خوبی را دارند. منتها بحث من استفاده کردن از اینها است، ما باید نیرو را آموزش دهیم اما آیا نیروهایی که آموزش می بینند و جوان های که والدین برای آنها خرج کردند نباید استفاده شود! اگر یک سند روسی

اگر نتوانیم به عنوان عضو اتاق ایران روسیه حرف بزنیم می روم یک انجمن در ارتباط با روسیه ثبت می کنم و ۲ هزار تاجر عضو می گیریم تا حرف ها و صدایمان را برساییم، چون حرف ما در جهت منافع ملی کشور است و من با هیچ کس اختلاف شخصی ندارم



را تأمین کند و باید انجام دهد. مرکز تجاری یک بحث و دفتر رایزنی یک بحث است. فکر می کنم نماینده محترم مجلس از مرکز تجاری، مرکز رایزنی بازرگانی بود که بتواند این کارها را انجام دهد. اینکه رایزن بازرگانی کارمند دولت باشد اشتباه بزرگی است. چون باید یک سری کارهایی را انجام دهد و یک سری ارتباطاتی را برقرار و یک سری اطلاعاتی را جمع آوری کند که از عهده یک کارمند بر نمی آید. بین آنچه که در کتب اقتصادی، بازرگانی و بازاریابی نوشته با آن چیزی که در میدان عمل وجود دارد تفاوت های زیادی است. دنیا با رشد شدید تکنولوژی با تحول پرسرعتی در همه حوزه ها مواجه است. پس این تحول در این کتاب نیامده و در دانشگاه نیست و در میدان است. رایزن اقتصادی باید دولتی باشد که در وزارت امور خارجه است چون بخش دیپلماسی اقتصادی را باید دنبال کند اما رایزن بازرگانی با رایزن اقتصادی فرق می کند. رایزن بازرگانی باید بخش خصوصی باشد. برای مثال در مدل کشورهای دیگر مثل ایتالیا، چین و بسیاری دیگر از کشورها از بخش خصوصی هستند.

روسیه چطور؟

از روسیه چیزی حدود ۲۵ نفر نیرو اینجا هستند و دارند کار می کنند. البته روسیه مقداری متفاوت است، روسیه افراد را به کار می گیرد نه اینکه کارمند دولت باشند، بلکه با آنها قرارداد می بندد. الان خیلی از افراد کارکرشته که مورد وثوق هستند می آیند و اینجا کار می کنند و اینها استخدام نیستند، بیرون از سفارت هستند. ما در همه کشورها باید یک رایزن بازرگانی از بخش خصوصی داشته باشیم و در آنجا کارمندان محلی در رشته های مختلف بگیرند. ما در چند رشته در روسیه نیاز به افراد داریم که بتوانند ارتباط سازمانی ایجاد کنند؛ رشته های دامپزشکی، قرنطینه و حفظ نباتات، غذا و دارو، گمرک و حمل و نقل، اینها سازمان هایی است که بسیار برای تسهیل صادرات ما مهم هستند. این امور تسهیلگری را باید فرد کارکرشته ای که بتواند این افراد را جذب کند، انجام دهد. حقوق، مزایا و هزینه یک نفر اعزامی از حقوق آن ۵ نفر پرسنل متخصص کارآمد مسلط به زبان که خیلی سریع می توانند ارتباط بگیرند بیشتر است و بهره وری بالاتری خواهد داشت. فقط سالی ۱۶۰۰ دلار هزینه تمديد اقامت فرد می شود و به جای اینکه چنین کاری کنند از طریق این رایزنی، یک نفر را بگیرند و فقط کارش در حوزه گردشگری باشد.